نقش مشاغل غیررسمی در تسکین اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: حصارامیر پاکدشت)

فاطمه سالاروندیان* دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سیدعلی حسینی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

لیلا حبیبی استادیار دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

مریم جعفری مهرآبادی استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۱

فصلنامه علمی- پژوهشی
اقتصاد و مدیریت شهری
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰
نمایه در ISC، Econbiz، SID، Ensani ،Magiran ،Noormags، Civilica ،RICeST
www.Iueam.ir
سال چهارم، شماره چهاردهم، صفحات ۱۵۷-۱۳۷
بهار ۱۳۹۵

چکیده: در سال‌های اخیر، نظریات نوین در توانمندسازی، بر نقش راهکارهای خودجوش حاشیه‌نشینان، معطوف شده است. یکی از راهکارهای عملی که ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی برای برون‌رفت از مشکلات حاشیه‌نشینی در پیش گرفته‌اند، روی‌آوردن به اقتصاد غیررسمی و مشاغل خودجوش است. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر روش پرسشنامه‌ای، در پی بررسی نقش این دسته از مشاغل به عنوان راهکاری برخاسته از درون این اجتماعات، برای تسکین مسئله اسکان غیررسمی در میان سکونتگاه‌های غیررسمی حصارامیر در پاکدشت است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم جامعه آماری، ۲۵۳۰۳ نفر جمعیت کل حصارامیر در نظر گرفته شد. بر این اساس تعداد نمونه‌ها، ۳۷۸ نفر محاسبه شد. نتایج تکنیک SWOT نشان دادند که توسعه مشاغل خودجوش در سکونتگاه‌های غیررسمی حصارامیر پاکدشت، نقاط قوت بسیار بالایی (۳/۳۳ امتیاز از نظر عوامل داخلی و ۳/۳۴ امتیاز از نظر عوامل خارجی) دارد. برای تحلیل پرسشنامه‌ها از آزمون‌های آماری تی‌تک‌نمونه‌ای و خی‌دو استفاده شده است. نتیجه آزمون خی‌دو نشان داد بین جنسیت افراد مورد مطالعه و گرایش به مشاغل خودجوش، رابطه معناداری در سطح احتمال ۹۵ درصد وجود دارد. آزمون تی، برای نشان دادن تأثیر مشاغل خودجوش در بهبود وضعیت اقتصادی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهند که گرایش به این گونه اشتغال‌ها سبب بهبود وضعیت اقتصادی افراد گردیده است. آزمون‌ها نشان‌دهنده سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده که بیانگر تأثیر این مشاغل در بهبود وضعیت اقتصادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسکان غیررسمی، مشاغل خودخوش، اقتصاد غیررسمی شهر، SWOT

طبقه‌بندی JEL: C۳۸, E۲۶, J۶۲, R۲۱

*مسئول مکاتبات: fsalarvandian@ut.ac.ir

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

۱- مقدمه

در سال‌های پایانی هزاره دوم و آغازین سال‌های هزاره سوم، مسئله حاشیه‌نشینی، به عنوان یک معضل جهانی، گریبانگیر بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه و صنعتی شده است (صرافی، ۱۳۸۱). بسیاری معتقدند که مسئله معیشت، از مهم‌ترین عوامل پشت پرده و حتی به طور غیرمستقیم، اصلی‌ترین عامل در بحث اسکان غیررسمی است (Davis, ۲۰۰٦). در پی تغییر سیاست‌ها و افزایش مهاجرت، شهرها به عنوان مأمنی برای افزایش درآمد و بهبود وضع اقتصادی، کانون توجه قرارگرفتند. ولی برعکس انتظار، حاشیه شهرها، پذیرای مهاجرین تازه‌وارد از روستاها و فقرای ساکن در شهر شده‌اند؛ زیرا گران بودن مسکن، ناتوانی در پرداخت اجاره‌بها و نداشتن درآمد کافی، سرانجام آنها را در پشت دیوار کلان‌شهرها متوقف می‌سازد. کلان‌شهر تهران، روزگاری در اطراف خود شاهد سکونتگاه‌های غیررسمی بود که اکنون تبدیل به نقاط شهری شده‌اند؛ فرایند مداوم حاشیه‌نشینی، همانند زنجیره‌ای که حلقه پایانی آن مفقود شده باشد، در اطراف سکونتگاه‌های سابقاً حاشیه‌نشین، ایجاد شده و در نتیجه، شاهد افزایش این سکونتگاه‌ها در کنار حاشیه‌نشینان پیشین هستیم (نقدی، ۱۳۸۹). پاکدشت که روزگاری به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی برای تهران محسوب می‌شد، با تبدیل شدن به یک نقطه شهری و سپس مرکز شهرستان، همچنان شاهد رشد فزاینده سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیه است (در حال حاضر، هسته حاشیه‌نشینی این شهرستان، منطقه حصارامیر می‌باشد). با توجه به آنکه بسیاری از ساکنین این سکونتگاه‌ها، از سطح سواد، آموزش و مهارت‌های کاری پایینی برخوردارند، بسیاری از آنها و به‌ویژه زنان ساکن در این منطقه، برای رهایی از مشکلات اقتصادی، رو به فعالیت‌های خودجوش در بخش غیررسمی آورده و توانسته‌اند به صورت هرچند گذرا از آن امرار معاش کنند. در واقع، اقتصاد غیررسمی، علی‌رغم مشکلات بسیار؛ از جمله نامنظم بودن درآمدها و عدم‌پرداخت مالیات، به دلیل آنکه نیاز به مهارت و آموزش زیادی ندارد، می‌تواند راهکاری هرچند موقتی برای رهایی از مشکلات اقتصادی حاشیه‌نشینان محسوب شود. این تحقیق به دنبال آن است تا به بررسی نقش مشاغل خودجوش (و به‌عبارتی دیگر، خوداشتغالی)، در توانمندسازی حاشیه‌نشینان این محدوده بپردازد. در ادامه به سؤالات زیر پاسخ داده خواهدشد:

سؤال اصلی:

گرایش به خوداشتغالی و مشاغل خودجوش در میان حاشیه‌نشینان به چه میزان است؟

سؤال‌های فرعی:

۱- آیا زنان، گرایش بیشتری به این مشاغل داشته‌اند؟

۲- آیا خوداشتغالی و مشاغل خودجوش در قسمت‌های حاشیه‌نشین می‌تواند منجر به بهبود وضعیت اقتصادی حاشیه‌نشینان شود؟ استراتژی مناسب برای استفاده از مشاغل خودجوش در راستای بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان کدام است؟

۳- حاشیه‌نشینان حصارامیر به کدام مشاغل خودجوش مشغول هستند؟

۴- پراکندگی مشاغل خودجوش در سطح حصارامیر به چه صورت می‌باشد؟

۲- پیشینه تحقیق

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در مورد خوداشتغالی در دنیا انجام شدخ است، تأسیس گرامین[۱] بانک توسط محمد یونس[۲] در بنگلادش بوده است (Yunus, ۲۰۰۷). وی با بررسی زندگی فقرای بنگلادش که عمدتاً به کار

۱- Grameen
۲- Muhammad Yunus

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

صنایع‌دستی مشغول بودند، متوجه شد که آنها با قرض گرفتن پول از رباخواران، معادل ۱۰ درصد در روز یا ۳۰۰ درصد در ماه بهره می‌پردازند. به همین علت آنها بسیار کار می‌کنند، محصولات بسیار زیبایی تولید و در واقع ثروت هنگفتی ایجاد می‌کنند، اما مبلغ ناچیزی عایدشان می‌شود. او برای رفع این مشکل در سال ۱۹۷۶ یک نظام بانکی مبتکرانه، غیرانتفاعی و در خدمت فقرا طراحی کرد که بعدها به گرامین بانک معروف شد. اهداف گرامین بانک عبارتند از: ۱-گسترش تسهیلات بانکی برای مردان و زنان فقیر ۲- از بین بردن استثمار و بهره‌کشی رباخواران از فقرا ۳- ایجاد فرصت‌های اشتغال برای فقرا ۴- استفاده از مشارکت مردم فقیر برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها از طریق حمایت از همدیگر (www.grameen-info.org). انجمن زنان خوداشتغال (SEWA)[1] در هند، سازمانی متشکل از زنانی است که در فعالیت‌های درآمدزایی مشغول‌اند. SEWAدر زبان محلی؛ به معنای خدمات است. این سازمان، یک اتحادیه بی‌نظیر می‌باشد که به زنان خوداشتغال سازمان‌نیافته خدمات‌رسانی می‌کند. SEWA، شعبه‌ای از انجمن نیروهای پاینده است که مهاتما گاندی در سال ۱۹۱۸ میلادی تأسیس کرده است. این انجمن متشکل از زنان خوداشتغال است. عمده فعالیت این سازمان، آموزش، تولید، سازماندهی و بهره‌وری شغلی است. بخش تولیدی این انجمن، زنان را در تولید فعالیت‌هایی چون: دوزندگی، بافندگی، قلاب‌بافی، عروسک‌سازی، ریسندگی، چاپ بر روی پارچه، تایپ کامپیوتری و سایر کارهای هنری و دستی، حمایت می‌کند. در دهه ۱۹۷۰ طی یک بررسی، عمده مشکلات زنان خوداشتغال، عدم‌حمایت سازمانی و دولتی و نبود امنیت شغلی، معرفی شد. به دنبال این مسائل، در سال ۱۹۷۲، انجمن زنان خوداشتغال شکل گرفت. سیوا[2] معتقد است باید برای ترقی خوداشتغالی از فعالیت‌های بخش آموزش کمک گرفته شود. براساس یک تحقیق اقتصادی- اجتماعی که توسط این سازمان انجام گرفته زنانی که به کارهای ریسندگی، بافندگی و تمیزکردن خانه مشغول‌اند، از روش‌های سنتی بسیارمشکل کمک می‌گیرند. انجمن سیوا برای توسعه مهارت زنان فقیر حاشیه‌نشین و آموزش استفاده از تکنولوژی، تأسیس شد. در سال ۱۹۷۴ بانک سیوا نیز تأسیس شد و به فعالیت برای اعطای وام به خوداشتغالان پرداخت (McGrath et al., ۱۹۹٤). شهرداری سائو فرانسیسکو دی آسیس در ۵۰۰ کیلومتری بندر آلگره در برزیل، محلی برای مدیریت مشارکتی به وسیله مردان و زنان جوان ۱۸ تا ۲۴ ساله، تأسیس کرده است که در آن برنامه‌ریزی برای ایجاد درآمد از طریق تولید لباس، هنرها و صنایع دستی از چرم، کاغذ بازیافت و چوب را به صورت مشارکتی ارائه کرده است (Frota, ۲۰۰۸).

از تجربه‌های ایرانی در زمینه توانمندسازی از طریق گسترش خوداشتغالی باید به محله شیرآباد زاهدان اشاره کرد. محله شیرآباد در شمال‌شرقی زاهدان واقع شده که مساحت آن برابر ۱۰۰ هکتار و جمعیتی معادل ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده و نمونه‌ای کامل از اسکان غیررسمی در زاهدان است (پیران، ۱۳۸۱). یکی از نکات قابل توجه در تجربه توانمندسازی شیرآباد زاهدان، حمایت دولتی و شورای محلی در تأسیس سازمان‌های غیردولتی زنان به نام مکران و زیتون است که با احیای صنایع دستی، حدود ۲۵۰ خانواده بی‌سرپرست را تحت پوشش قرار داد. در طرح توانمندسازی و ساماندهی برای ساکنان محله به جعفرآباد کرمانشاه اشاره شده است: تسهیل شرایط ارتقای اقتصادی خانوارهای حاشیه‌نشین غالباً به

۱- Self-Employed Women’s Association

۲- Sewa

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

سیاست‌های کلان اقتصادی و مدیریت شهر وابسته است؛ مثلاً می‌توان به فعالیت جمع‌آوری مواد زائد که یک‌سوم اشتغال اهالی جعفرآباد را تشکیل می‌دهد، توجه کرد. تجربه شهرهایی چون اصفهان که طی سال‌های اخیر به صورت مکانیزه به جمع‌آوری و تفکیک مواد زائد از منازل پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که در روش‌های مکانیزه، میزان اشتغال ناشی از این فعالیت‌ها می‌تواند به یک‌دهم اشتغال موجود در روش‌های دستی که در جعفرآباد معمول است، تقلیل یابد. بهسازی روش‌های موجود جمع‌آوری ضایعات در کرمانشاه؛ به ویژه از لحاظ بهداشتی و افزایش کارایی برای شهر و به منظور ارتقای محله، ضرورت دارد و این اقدام می‌تواند با ملحوظ کردن سابقه محله جعفرآباد در این فعالیت، با مشارکت دادن فعالین آن و با ایجاد حلقه‌هایی از فعالیت بازیافت مواد که فرصت‌های شغلی جدیدی برای جایگزینی مشاغل قبلی به‌وجود آورد، صورت گیرد. برنامه حرفه‌آموزی به جوانان و نوجوانانی که به جمع‌آوری ضایعات یا کارهای ساختمانی اشتغال دارند، نمونه دیگری از ضرورت کل‌نگری اقدامات در مقیاس شهر است (خاتم، ۱۳۸۱).

جمالی و همکارانش (۱۳۸۸) در پژوهشی برای شناسایی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی سبزه‌میدان تبریز به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر این شاغلان، در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. آنها مهم‌ترین مشکلات خود را کمبود سرمایه، نداشتن مکان ثابت و عدم‌دسترسی به تسهیلات اجتماعی بیان کرده‌اند. بیشتر آنها تحصیلات پایین دارند و پیش از آن، در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند.

۳- مبانی نظری

حاشیه‌نشینی با این مفهوم که خانوارها و افراد ساکن در محدوده شهرها از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری، در شرایط نامطلوبی زندگی می‌کنند و این افراد به علت عدم‌برخورداری از سرمایه، مهارت فنی‌وحرفه‌ای برای اشتغال در اقتصاد شهری، اکثراً در فعالیت‌هایی درگیرند که در بازار کار شهر، غیرمولد تلقی می‌شود، پدیده‌ای است که در تمام کشورهای در حال توسعه، از دوران استقلال و اجرای برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی رخ داده است و به طور کلی، در گسترش سریع شهرنشینی ناموزون و آهنگ شتابان شهرگرایی، ریشه دارد (حاجیوسفی، ۱۳۸۱). براساس مطالعات سازمان ملل، حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی، معضل اصلی هزاره سوم خواهد بود. اگر به آماری که این نهاد عرضه کرده است نگاه کنیم، در سال ۲۰۰۱ از ۹۲۰ میلیون نفر جمعیت حاشیه‌نشین شهری جهان، ۴۵ میلیون نفر آن (یعنی ۵ درصد) در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند و ۸۶۰ میلیون نفر؛ یعنی ۹۳ درصد این جمعیت در آلونک‌های کشورهای غرب آسیا سکونت دارند. در سال ۲۰۲۰ آمار کل حاشیه‌نشینان شهری جهان تقریباً به ۱۴۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. میزان افزایش کشورهای صنعتی و ثروتمند در این مدت حدود پنج میلیون نفر و حجم جمعیت آلونک‌نشین کشورهای در حال توسعه، به رقم ۱۳۵۵ میلیون نفر خواهد رسید (http://www.Asiannews.peit.p.v). گزارش سازمان ملل متحد تأکید می‌کند که این یک مقوله جمعیت‌شناسی شهری نیست بلکه پدیده‌ای اقتصادی- اجتماعی است و در برنامه‌های توسعه باید بدان به عنوان هدف اولی نگریست (محمودیان، ۱۳۸۶). در چارچوب رهیافت اصلاح‌طلب، برای چاره‌جویی مشکل اجتماعات برآمده از اسکان غیررسمی، راهبرد توانمندسازی[۱]، مناسب‌ترین راه‌حل می‌باشد که امروزه در آخرین اسناد جهانی و بنابر تجارب متعدد، به طور قوی مورد پذیرش قرار گرفته است (کمیسیون اسکان بشر، ۱۳۷۸). ایده توانمندسازی

۱- Enablement

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

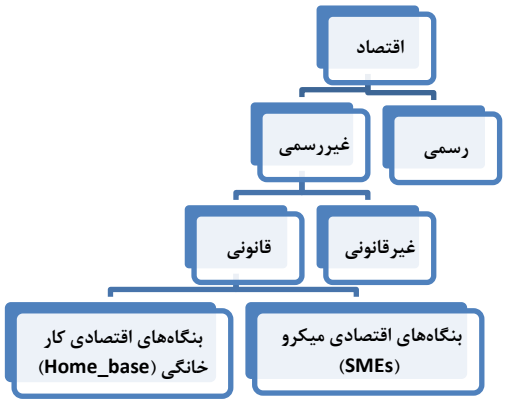
را ابتدا راپاپورت[۱] در زمینه روانشناسی اجتماعی مطرح کرد. وی توانمندسازی را به معنی «هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بر زندگی خویش» می‌داند. اگر قدرت عبارت است از: توانایی افراد در پیش‌بینی، کنترل و مشارکت در محیط، آنگاه می‌توان گفت: توانمندسازی، فرایندی است که طی آن، افراد و اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را به کار گیرند و به طور مؤثر در تغییر زندگی خود و محیط‌شان، اعمال کنند (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰). این رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا اصالت جمع‌گرایی دارد. از این رو درصدد است تا در ساخت جامعه، هیچ گروه معین و همسو از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه‌های جامعه، تسلط مطلق نداشته باشد (شکویی، ۱۳۸۰). راهکار توانمندسازی با تکیه بر دارایی‌ها و پتانسیل‌های موجود در میان حاشیه‌نشینان، مبتنی بر رویکرد دارایی‌مبنا در مقابل رویکرد نیازمبناست. در رویکرد دارایی‌مبنا، مجموع دارایی‌های اجتماع محلی، اساس توسعه را تشکیل می‌دهد، در حالی که در رویکرد نیازمبنا، نیازهای اجتماع محلی، مبنای توسعه قرار می‌گیرد. رویکرد دارایی‌مبنا سه ویژگی دارد: ۱) بر ظرفیت‌سازی تأکید دارد و لذا فرایندگرا است. ۲) به دلیل بسیج همه دارایی‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع‌نگر است.۳) واجد اهمیت ابزاری است؛ زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به‌کار می‌برد. برخلاف آن، رویکرد نیازمبنا، پیامدگرا است. همچنین به دلیل آنکه نشانه‌های فقر را به عنوان نارسایی‌هایی تلقی می‌کند که باید آنها را به طور جدا از هم در نظر گرفت، مقوله‌ای است (عارفی، ۱۳۸۰). بهتر است برنامه‌ریزی در رابطه با توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی در راستای انتقال توانایی و قابلیت‌های یک فرد مهاجر به شهر باشد، توانایی در خلق صنایع‌دستی، محصولات خانگی و مهارت‌هایی از این قبیل، در توانمندی اقتصادی مهاجرین و فقرا بی‌تأثیر نخواهد بود (Cobas, ۱۹۸٦). بسیاری از اجتماعات غیررسمی برای ایجاد انطباق با محیط زندگی خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در قالب بخش غیررسمی، دست به اقدامات خودجوشی زده‌اند که در بسیاری از موارد توسط هیچ سازمان دولتی یا خصوصی حمایت نمی‌شوند. یکی از مهم‌ترین اقدامات ابتکاری این اجتماعات برای رهایی از فقر و انطباق با شرایط موجود، گرایش به مشاغل غیررسمی و خودجوش می‌باشد. تقویت این دسته از مشاغل و رفع موانع و مشکلات آن به دلیل غیررسمی بودن و به عبارتی، تلاش برای حمایت از جنبه‌های مثبت آنها کاملاً در راستای اصول اولیه راهبرد توانمندسازی است. بهبود معیشت به طور مستقیم، با ایجاد فرصت‌های اقتصادی- اجتماعی برای مردان و زنان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه و درون شهرها در پیوند است؛ لذا به منظور ایجاد و ارتقای فرصت‌های اقتصادی برای زنان و مردان و تأمین درآمدی پایدار برای خانواده‌های ساکن در حاشیه شهرها، لازم است امکان فن‌آموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در رشته‌ها و زمینه‌هایی که در بازار محلی مورد تقاضا هستند و همچنین آموزش‌ها و فن‌آموزی در حوزه‌های اولویت‌دار مدیریت خانوار به منظور ارتقای مهارت‌های خانگی معطوف به بهبود شیوه زندگی و محیط خانوار به‌ویژه درمورد زوج‌های جوان، فراهم شود. فقدان مهارت و دانایی، مانع بزرگی برای مبارزه با فقر و غلبه بر آن است. لذا، هدف اصلی برنامه توانمندسازی باید کاستن از فاصله‌های مهارتی از راه ایجاد فرصت‌های توسعه مهارت‌های خلاق فنی و کارآفرینی برای مردان و زنان و از جمله جوانان، به منظور اشتغال در بازارهای رسمی یا گسترش خوداشتغالی، فن‌آموزی ضمن خدمت برای نیروی کار غیرماهر یا دارای مهارت کم باشد

۱- Rappaport

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

(اجـلاس وزرای مسـکن، ۱۳۸۷). یکـی از جدیـدترین راهکارها برای مبارزه با فقر در سکونتگاه‌های غیررسـمی، روی‌آوردن بـه مشـاغل خودجـوش و بـه عبـارتی دیگـر، خوداشـتغالی اسـت. مشـاغل خودجـوش را معمـولاً از تقسیمات بخـش غیررسـمی اقتصـاد شـهری، محسـوب می‌کنند. در این پژوهش، مشاغل غیررسمی بـه دو گـروه مشاغل غیررسمی قانونی و غیرقـانونی تقسـیم شـده‌انـد. مشاغل غیررسمی قانونی، آن دسـته از مشـاغلی هسـتند که در درآمدهای ناخالص ملی به ثبت نرسیده‌اند، امـا در عین حال، اثر سوء برای افراد جامعه و اقتصاد ملی کشور نداشته و یک منبع تأمین معیشت برای فقرا باشند. ایـن مشاغل، گروه فعالیت‌هایی که مبتنی بر کار خانگی اسـت و اصطلاحاً Home Base گفته مـی‌شـود و همـین‌طـور مشاغل غیررسمی که مبتنی بر کـار خـانگی نبـوده و در کارگاه‌های کوچک یا هر جایی به جز خانه در حال انجام است را شامل می‌شود. می‌توان دسته دوم را خوداشتغالی از نوع غیررسمی و نه از نوع مزد و حقوق‌بگیران مسـتقل اطلاق کـرد (توماس[1] و همکـاران، ۱۳۷۶). در شـکل ۱، تقسیمات اقتصاد غیررسمی نشان داده شده است.



شکل ۱- تقسیم‌بندی از اقتصاد غیررسمی

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

پیامد گسترش سریع شهرنشینی در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و نابهنجار ایجاد محله‌های حاشـیه‌نشـین با بافـت نابسـامان و مسـکن ناهنجـار اسـت کـه معمـولاً ساکنین آن مهاجرین روستایی یا اقشار کم‌درآمد شـهری مـی‌باشـند کـه از نظـر اشـتغال دارای مشـاغل کـاذب و حاشـیه‌ای هسـتند. حاشـیه‌نشـینی فضـایی، مولـود حاشیه‌نشینی اقتصادی- اجتماعی؛ آن بخش از جمعیـت است که ساکنان این محله‌ها می‌باشند (اعتمـاد، ۱۳۸۲). در تحلیل سـکونتگاه‌هـای غیررسـمی، تـاکنون نظریـات مختلفی ارائه‌شده و هـر کـدام از ایـن نظریـات براسـاس دیـدگاه‌هـای مختلفـی، اسـکان غیررسـمی را تحلیـل نموده‌اند. شیخی (۱۳۸۰) با اسـتفاده از آثـار مهـم‌تـرین نظریه‌پردازان جهانی و ایرانی کوشیده است آرای موجـود در زمینه تفاوت‌های کالبدی، اقتصـادی و اجتمـاعی ایـن نوع سکونتگاه‌ها را با سکونتگاه‌های رسمی گردآوری کند. براسـاس جمـع‌بنـدی وی، تفـاوت‌هـای اقتصـادی سکونتگاه‌های خودرو با سایر سکونتگاه‌ها، از شاخصه‌های تمایز اسکان غیررسمی می‌باشد که تا حد زیـادی، ریشـه بسـیاری از ویژگـی‌هـا و تفـاوت‌هـای دیگـر ایـن سـکونتگاه‌هاسـت. در جـدول ۱، آرای نظریـه‌پـردازان در زمینه اقتصـادی سـکونتگاه‌هـای غیررسـمی آورده شـده است.

۱- Thomas

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

جدول۱- ویژگی‌های اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی

صاحب‌نظران	ویژگی‌های اقتصادی
اسمیت[۱]	- بخش غیررسمی با مشخصاتی چون: امکان ورود آسان، اتکا به شرایط بومی و محلی، اتکا به دارایی خانوار، فعالیت کوچک‌مقیاس و کاربر متکی به فناوری سنتی و محلی و نیز مهارت غیرکلاسیک و غیررسمی، بازار نامنظم و به‌ویژه فقدان مجوز، تعرفه و مالیات، قابل تعریف است. - اقتصاد این سکونتگاه‌ها ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد بخش غیررسمی دارد.
پرلمن[۲]	- ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی، خود اینجا را انتخاب کرده‌اند و در بین آنها خانوارهای زیادی هستند که برای خود یا در مشاغل غیررسمی کار می‌کنند.
عارف حسن[۳]	- بخش غیررسمی در شهرهای آسیایی، دامنه گسترده‌ای از خدمات را نه تنها برای اسکان غیررسمی که برای بخش رسمی فراهم می‌کند.
برودر[۴] و همکاران	- مشخصات اقتصاد این سکونتگاه‌ها عبارتند از: تولید کوچک‌مقیاس، چندشغلی بودن، مسکن خودساخته، اشتغال در فعالیت‌های غیرمجاز.

منبع: (شیخی، ۱۳۸۰)

این مقاله در پی آن است که در چارچوب رهیافت اصلاح‌طلب و با تکیه بر نوین‌ترین راه‌حل برای ساماندهی اسکان غیررسمی؛ یعنی توانمندسازی، خوداشتغالی را به عنوان راهکاری مناسب برای تسکین حاشیه‌نشینی معرفی کند. در این پژوهش، تلاش‌شده که این‌بار از زاویه دید دیگری به حاشیه‌نشینی نگریسته شود و حاشیه‌نشنیان را معادل کارآفرینان غیررسمی و خوداشتغالی را استراتژی نوینی برای برون‌رفت از مشکلاتشان دانسته است. امروزه خوداشتغالی یا به عبارتی Self-Employment، به عنوان یکی از راهبردهای توسعه شهری و یکی از نشانه‌های حکمروایی خوب به شمار می‌رود. شین[۵]، خوداشتغالی را یکی از تعاریف عملیاتی کارآفرینی می‌داند (Shane, ۲۰۰۳). دوران جدید خوداشتغالی که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شده، با دو روند توأم بوده است: نخست تثبیت درصد خوداشتغالی پس از چندین دهه تنزل و ارائه گزارش‌هایی از سوی بسیاری از کشورهای صنعتی مبنی بر این‌که درصد خوداشتغالی، اندکی بالاتر از دهه‌های پیش است و دوم ظهور یک دگرگونی کیفی در «خوداشتغالی نوین». بخش عمده قوت این جریان از بروز یک موج جدید گرایش به خوداشتغالی در میان زنان ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، بریتانیا و سایر کشورهای صنعتی غربی سرچشمه می‌گیرد (OECD, ۱۹۸٦). این پژوهش، کارکنان مستقل یا حقوق‌بگیران مستقل را به عنوان خوداشتغال بررسی نکرده، بلکه خوداشتغالی را معادل کسانی گرفته است که در مشاغل غیررسمی (البته نه قاچاق موادمخدر، خودفروشی، سیگارفروشی و در مجموع مشاغل کاذب یا سیاه) فعالیت می‌کنند. اقتصاد شهری، یک جامعه توسعه‌نیافته را می‌توان به بخش مدرن یا رسمی و سنتی یا غیررسمی تقسیم کرد. بخش غیررسمی (سنتی) با ویژگی‌هایی چون مقیاس کوچک، مشاغل غیرمهارتی، دستمزد پایین و فقدان الزامات قانونی، مشخص شده و بخش‌هایی مانند: کسب‌وکار جزئی، مشاغل خانگی، تعمیراتی و کارهای کارگاهی را تفسیر می‌کند (Yuki, ۲۰۰۷). بنابراین تعریف از اشتغال غیررسمی، مشاغل خانگی و کار در کارگاه‌ها به عنوان نوعی خوداشتغالی نیز در همین دسته

۱- Smith
۲- Perlman
۳- Aref Hassan
٤- Barudar
٥- Shane

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

قرار می‌گیرد. یکی از موضوعات پراهمیت در رابطه با سکونتگاه‌های غیررسمی، فعالیت‌های حاشیه‌نشینان در بخش غیررسمی اقتصاد است. توماس فعالیت‌های تولیدی اقتصاد غیررسمی را به چهار بخش خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی تقسیم می‌کند. بخش خانوار، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. بخش غیررسمی؛ شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و همچنین پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری و حمل‌ونقل و دیگرخدمات غیررسمی است. ولی کارگاه‌های کوچک بدون کارگر که اغلب در خانه‌ها قرار دارند (کارگاه‌های خانگی) از نظر تعداد، اهمیت بیشتری دارند. تمام فعالیت‌های طبقه‌بندی شده در این بخش کم‌وبیش نوعی از ماهیت غیرقانونی؛ مانند فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر قانون کار و رعایت تدابیر ایمنی کارگاه) و تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن برخوردارند. تولیدات بخش غیرقانونی شامل: فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون؛ نظیر دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش موادمخدر و ... می‌باشد (توماس و همکاران، ۱۳۷۶). یکی از راه‌های مقابله با فقر در میان حاشیه‌نشینان، روی‌آوردن به خوداشتغالی و کارآفرینی به شکل غیررسمی بوده است؛ به طوری که تنها منبع معیشتی بسیاری از آنها همین مشاغل می‌باشد.

۴- روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق پیمایشی و برای بررسی یافته‌ها از شیوه توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. مهم‌ترین ابزارهای گردآوردی اطلاعات، پرسشنامه و مشاهده بوده‌اند. برای بررسی خوداشتغالانی که نه در بخش رسمی (کارکنان مستقل) بلکه در بخش غیررسمی اقتصاد در نوعی شغل خودجوش فعالیت دارند، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم جامعه آماری برابر با ۲۵۳۰۳ نفر جمعیت کل حصارامیر در نظر گرفته شد. بر این اساس تعداد نمونه‌ها، ۳۷۸ نفر محاسبه شد. با بررسی‌های میدانی و مشاهدات نگارندگان، نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول، افرادی که تاکنون خوداشتغال نبوده و هیچ نوع شغل خودجوشی نداشته‌اند. تعداد این نمونه‌ها، ۱۶۶ نفر و تقریباً ۴۴ درصد نمونه‌های مورد بررسی را شامل می‌شد. گروه دوم، افراد خوداشتغال که شامل۲۱۲ نفر بوده و حدوداً ۵۶ درصد نمونه‌های مورد پژوهش را دربر می‌گیرد. گروه دوم خود شامل دو دسته بودند:

۱- شاغلین خودجوشی که درحال حاضر کار خود را رها کرده‌اند. این دسته، شامل ۲۰ نفر و حدود ۹/۵ درصد از نمونه‌های گروه دوم را تشکیل داده‌اند.

۲- شاغلین خودجوشی که در حال حاضر نیز مشغول به کارند. این گروه شامل ۱۹۲ نفر و حدود ۹۰/۵ درصد افراد گروه دوم در این دسته قرارگرفته‌اند.

برای سنجش روایی یا اعتبار[۱] پرسشنامه، از نظرات متخصصین و صاحب‌نظران در زمینه موضوع پژوهش استفاده گردید و با ارسال پرسشنامه از طریق رایانامه و مراجعه حضوری به این افراد و اعمال کردن نظرات آن‌ها، روایی پرسشنامه تأیید شد. همچنین نکات مبهم و نامفهومی که از نظر متخصصین در پرسشنامه وجود داشت، برطرف گردید؛ سپس از طریق انجام پیش‌آزمون، تعداد ۲۰ پرسشنامه در منطقه مورد مطالعه، توزیع شد و مشکلات پرسشنامه از دید جامعه آماری مورد توجه قرار گرفت و مرتفع گردید. به منظور بررسی پایایی یا اعتماد[۲] سؤال‌های پرسشنامه نیز از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. محاسبات نشان دادند که ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ و در سطح قابل قبول بوده است.

۱- Validity
۲- Reliability

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، از یافته‌های توصیفی پژوهش و بررسی حجم خوداشتغالان در میان نمونه‌ها استفاده شد. برای پاسخ به پرسش دوم، از آزمون ناپارامتری کای اسکوئر[1] یا خی دو و همچنین برای بررسی جنسیت شاغلان موردپرسش، استفاده شد. برای پاسخ به قسمت اول سؤال سوم، از آزمون تی‌تک‌نمونه‌ای[2] استفاده شد. برای پاسخگویی به قسمت دوم این سؤال نیز از تکنیک SWOT بهره گرفته شد. لازم به ذکر است برای وزن‌دهی به نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید، از نظرات ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان، استادان دانشگاه و مسئولان مرتبط استفاده شده است. برای پاسخ به دو سؤال پایانی، با استفاده از برداشت‌های میدانی نگارندگان، نوع مشاغل برداشت‌شده و پراکندگی آنها به صورت تقریبی، در محیط GIS۹,۳ نشان داده شد.

محدوده مورد مطالعه

تحقیق حاضر، در سطح حصارامیر که هسته حاشیه‌نشینی در سطح شهرستان پاکدشت محسوب می‌گردد، انجام شده است. حصارامیر، یکی از روستاهای دهستان حصارامیر واقع در بخش مرکزی شهرستان پاکدشت کنونی و از سال ۱۳۸۵ به عنوان یکی از نقاط شهری همین بخش شناخته شده که در شمال محور تهران- مشهد قرار دارد. حصارامیر، از شمال به کوه‌های البرز، از جنوب به محور تهران- مشهد و همین‌طور شهر پاکدشت، از غرب به شهرک انقلاب و از شرق به منطقه نظامی پارچین محدود می‌شود. ساکنان اولیه حصارامیر، افراد بومی بوده اما با افزایش مهاجرت‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی در حصارامیر و حواشی آن، جمعیت غیربومی و مهاجر بسیاری را به خود جذب کرد؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد امروزه بیشتر از ساکنان بومی، افراد مهاجر در این منطقه سکونت داشته باشند. این منطقه در گذشته در مسیر حرکت دامداران بوده است؛ به تدریج و به دلیل برخورداری از کیفیت مناسب خاک، وضعیت آب‌وهوایی مناسب‌تر نسبت به سایر نقاط پاکدشت و به خصوص پایین بودن قیمت مسکن در آن، برای این دامداران و مهاجران، مکان مناسبی به نظر می‌رسید. بررسی‌های اولیه در حصارامیر نشان دادند که بیشتر مساکن در این منطقه، فاقد جواز ساختمان و سند ثبتی بوده و اکثراً بر زمین‌های عدوانی ساخته شده‌اند. وضعیت نامناسب از نظر بهداشتی، عدم‌دسترسی به آب آشامیدنی مناسب (سنگینی و پر املاح بودن آب موجب شده، ساکنین حصارامیر، روزانه از افرادی که به فروش آب مشغولند، آب خریداری کنند)، وضعیت نامناسب معابر و کوچه‌ها، استفاده از مصالح ساختمانی دست دوم و گاه دست سوم و چهارم برای سرهم کردن فقط یک سرپناه و همین‌طور عدم‌دسترسی به امکانات و تأسیسات مکفی، از بارزترین مشکلاتی بود که در نگاه نخست به این سکونتگاه به چشم می‌آید. گسترش سکونتگاه‌های خودرو در منطقه، مشکلات جدی خصوصاً در زمینه‌های تأمین خدمات زیربنایی (نظیر آب و برق)، مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در پی دارد. اغلب ساکنین حصارامیر، در فعالیت‌های غیررسمی شاغل هستند و از نظر قشر درآمدی، به خانوارهای متوسط و متوسط پایین مطابق الگوی درآمدی سکونتگاه‌های روستایی کشور، تعلق دارند (حسین‌اغلی، ۱۳۸۶). یکی از مهم‌ترین خصوصیات سکونتگاه‌های غیررسمی، رشد سریع جمعیت در فواصل زمانی بسیار کوتاه است. حصارامیر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مطالعه آماری جمعیت در این منطقه گواه این موضوع می‌باشد. نرخ رشد جمعیت حصارامیر در دو دهه ۵۵ و ۶۵ در مقایسه با کل کشور و همین‌طور شهرستان پاکدشت، بسیار بالا بوده؛ به‌طوری که در سال ۱۳۶۵ به

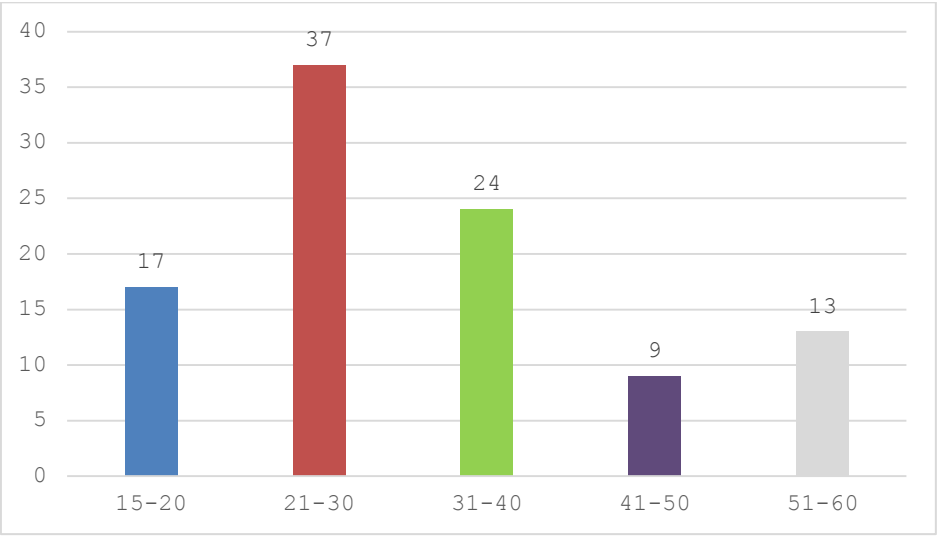
۱- Chi Square- X۲
۲- One-sample T test

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

۱۴ درصد رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ و ۱۳۵۵). در دهه ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت در حصارامیر، کاهش قابل توجهی داشته و به کمتر از نصف دوره قبل می‌رسد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). این رقم در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱/۱ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). حصارامیر با وجود تبدیل شدن به یک نقطه شهری در سال ۱۳۸۵ و دادن سند ثبتی برخی از خانه‌ها که تا چندی پیش جزء سکونتگاه‌های غیررسمی محسوب می‌شد، همچنان با پدیده اسکان غیررسمی در اطراف محله‌های خود روبه‌روست. یکی از راه‌حل‌های خودجوش و برخاسته از درون ساکنین برای رهایی از مشکلات حاشیه‌نشینی، روی‌آوردن به مشاغل خودجوش و خوداشتغالی، گاه در قالب کارگاه‌های کوچک گروهی و گاه به صورت خانگی و شخصی بوده است.

۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: همان‌طور که بیان شد از تعداد ۳۷۸ نمونه محاسبه‌شده، ۱۶۶ نفر (تقریباً ۴۴ درصد نمونه‌های مورد بررسی) فاقد شغل خودجوش بوده و خوداشتغال محسوب نمی‌شدند. اما ۲۱۲ نفر (نزدیک به ۵۶ درصد) خوداشتغال بوده و نوعی شغل خودجوش داشته‌اند. اطلاعات توصیفی پرسشنامه‌ها نشان دادند که ۶۰/۷ درصد شاغلان خودجوش حصارامیر را زنان و ۳۹/۳ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، دامنه سنی شاغلان خودجوش از ۱۵ سال تا ۶۰ سال متغیر است. برای سهولت بیشتر در مطالعه، شاغلین به پنج گروه سنی، تقسیم‌بندی شدند: گروه نخست؛ ۲۰-۱۵ سال (۱۶/۷ درصد، گروه دوم؛ ۳۰- ۲۱ سال (۳۷ درصد)، گروه سوم؛ ۴۰-۳۱ سال (۲۳/۸ درصد)، گروه چهارم؛ ۵۰-۴۱ سال (۹/۵درصد) و گروه پنجم؛ ۶۰- ۵۱ سال (۱۳ درصد). همان‌طورکه در نمودار ۱ نشان داده شده، بیشتر شاغلان خودجوش، در گروه سنی ۳۰-۲۱ سال و از قشرجوان جامعه هستند و کم‌ترین شاغلان نیز در گروه سنی ۵۰-۴۱ سال قرارگرفته‌اند.



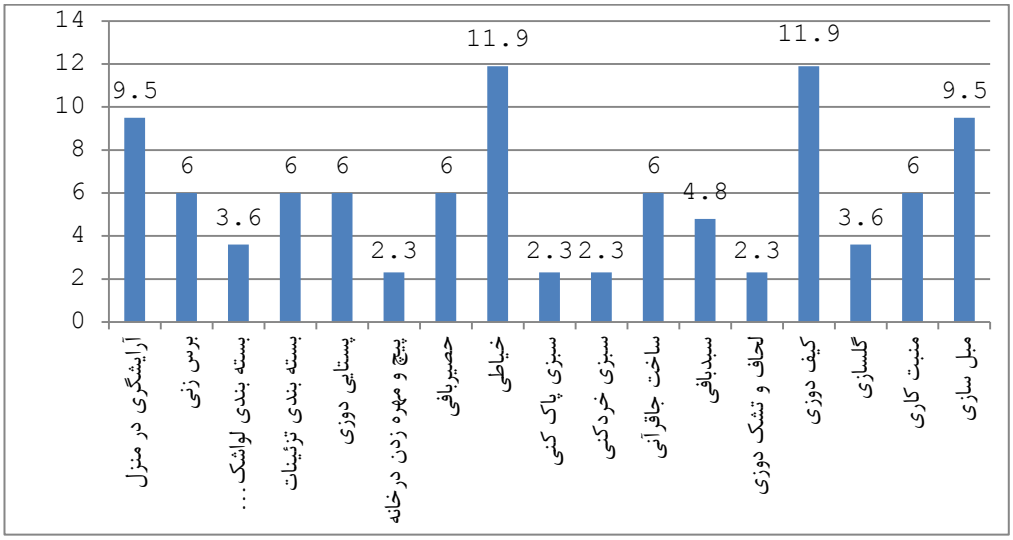
نمودار ۱- گروه‌های سنی شاغلین خودجوش

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

بررسی سابقه فعالیت شاغلین خودجوش، نشان می‌دهد که ۲۶/۱ درصد دارای یک‌سال سابقه شغل خودجوش، ۴۸/۸ درصد شاغلین ۲ تا ۴ سال، ۱۷/۹ درصد بین ۵ تا ۱۵ سال و ۶ درصد نیز بین ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه فعالیت دارند. در بررسی‌های به عمل آمده، این گونه استنباط می‌شود که مشاغل خودجوش در حصارامیر، بسیار متنوع بوده و زنان و مردان بسیاری از حاشیه‌نشینان، خوداشتغال بوده و به نوعی شغل خودجوش مشغول‌اند. نمودار ۲، نوع مشاغل و تعداد شاغلین خودجوش حصارامیر را نشان می‌دهد. کیف‌دوزی و خیاطی، از مهم‌ترین مشاغل خودجوش در حصارامیر هستند. سهم هر یک (کیف‌دوزی و خیاطی) از نوع مشاغل خودجوش برابر ۱۱/۹ درصد می‌باشد. سایر مشاغل به ترتیب فراوانی عبارتند از: آرایشگری در منزل، مبل‌سازی، برس‌زنی، بسته‌بندی تزئینات، پستایی‌دوزی (ساخت رویه دمپایی و کفش)، حصیربافی، ساخت جاقرآنی و منبت‌کاری که هریک ۶ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده‌اند. از میان شاغلین خودجوش، ۴/۸ درصد سبدباف بوده و ۳/۶ درصد نیز در منزل به بسته‌بندی لواشک و آلوچه پرداخته‌اند. بیشتر این بسته‌بندی‌ها برای کارخانجات آلوچه و لواشک‌سازی در اطراف حصارامیر و شریف‌آباد انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سهم شاغلین خودجوش که گلسازی کرده‌اند، ۳/۶درصد می‌باشد. سبزی پاک‌کنی، سبزی خردکنی، پیچ و مهره زدن و لحاف و تشک‌دوزی در منزل، دیگر مشاغل خودجوشی هستند که سهم هر یک ۲/۳ درصد بوده است. سبدبافی و حصیربافی، از صنایع بسیار قدیمی پاکدشت بوده است، این سنت از سوی حاشیه‌نشینان حصارامیر، به نوعی منبع درآمد برای رهایی از فقر تبدیل شده است.



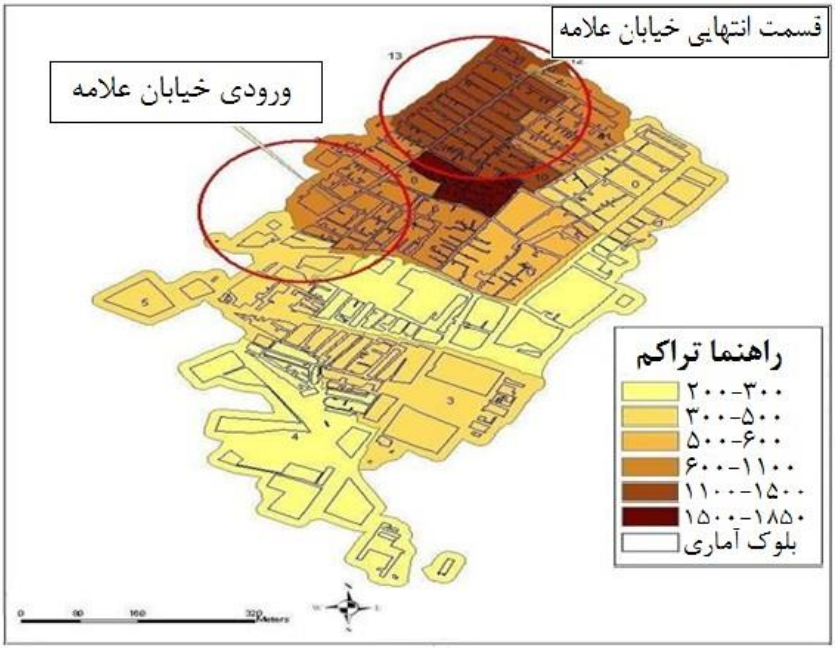
نمودار ۲- پراکندگی نوع مشاغل خودجوش در حصارامیر

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

برداشت‌های میدانی نشان دادند بیشتر این مشاغل در محلات فقیرنشین حصارامیر که تا چندی پیش خود نوعی سکونتگاه غیررسمی بوده و در حال حاضر به محلات تازه حاشیه‌نشین شده خدمات‌رسانی می‌کنند، متمرکز شده است. در واقع، مناطقی که بیشترین مشاغل خودجوش را دارا بودند بر مناطقی که تراکم جمعیتی بالاتر داشته، منطبق بوده‌اند. همان‌طورکه در نقشه ۱ نشان داده شده است، تمرکز اصلی مشاغل خانگی و

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

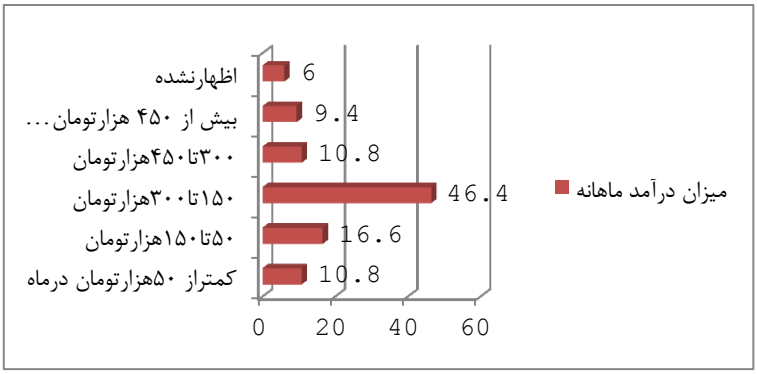
خودانگیختـه، در حـوالی دو محلـه تـرک‌آبـاد و حـوالی خیابان علامه، شکل گرفته است که نشان‌دهنده آن است که مشاغل خودجوش در محلات بیشتر فقیرنشـین و بـا تراکم جمعیتی بالاتر نسـبت بـه سـایر نقـاط حصـارامیر، تمرکز دارند. دوایر مشخص شده بر روی نقشه، محـدوده محلات ترک‌آباد و خیابان علامه را نشان می‌دهـد کـه در برداشت‌های میدانی مشخص شـد، گـرایش بیشـتری بـه این مشاغل داشته‌اند.



نقشه ۱- تراکم جمعیت و تمرکز اصلی مشاغل خانگی و خودانگیخته در حصارامیر

منبع: (سازمان اطلاعات و فناوری مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و مشاهدات میدانی نگارندگان)

بررسی میزان درآمد شاغلان خودجوش حصـارامیر نشان‌دهنده حداقل درآمد ۳۰ هزار تومان و حـداکثر درآمـد ۵۵۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. میانگین درآمد شـاغلان خودجوش برابر ۲۳۰ هزار تومان در ماه بوده است. این میانگین درآمد برای حاشیه‌نشینان که در حالت معمول یا از بیکـاری رنج برده یا متوسط درآمدی کمتر از این برای مشاغل مختلف داشته‌اند، کافی نمی‌باشد؛ اما مؤثر است. درآمد برخـی از این مشاغل به ۵۰۰ هزار تومان در ماه هم رسـیده اسـت. براساس پژوهش به عمل آمده، درآمد شاغلان، از فعالیت‌هـای خودجوش در پنج طبقه خلاصه شده است (نمودار۳).



نمودار ۳- میزان درآمد ماهانه شاغلین خوداشتغال

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

بررسی‌ها نشان دادند نیمی از شاغلین خودجوش حاشیه‌نشین در حصارامیر، این دسته از مشاغل را در بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خود بسیار مؤثر دانسته‌اند. ۳۶/۹ درصد حاشیه‌نشینان، شغل خودجوش را در بهبود اوضاع معیشتی خود تا حدودی مؤثر می‌دانند. ۹/۵ درصد افراد، تأثیر این مشاغل را کم دانسته‌اند. ۳/۶ درصد باقیمانده نیز شغل خودجوش را در سطحی نمی‌دانسته‌اند که در توانمندی اقتصادی آنها مؤثر باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۵۰ درصد حاشیه‌نشینانی که به شغل خودجوش اشتغال دارند، در رهایی از فقر و ترمیم اوضاع درآمدی خود، آن را بسیار مؤثر دانسته‌اند. در بررسی‌های به عمل آمده روشن شد که سازمان‌های دولتی، غیردولتی و انجمن‌های مرتبط در زمینه خوداشتغالی یا در حصارامیر وجود ندارند یا درصورت وجود، فعالیت محدودی دارند؛ به‌طوری که بسیاری از شاغلین خودجوش، از کمک‌های آنها ناامید هستند و همواره سعی کرده‌اند با کمی و کاستی‌های خود بسازند. بررسی‌ها نشان دادند که متأسفانه فقط ۳/۳درصد شاغلین خودجوش در صنف، سازمان یا اتحادیه خاصی عضو هستند که مهم‌ترین آنها سازمان حمایت از صنایع دستی است و به گفته پرسش‌شوندگان، در این زمینه (منبت‌کاران، سبدبافان، حصیربافان و ...) حمایت چندانی در رابطه با شغل خودجوش خود، از آنها دریافت نکرده‌اند. ۹۶/۷درصد شاغلین خودجوش حصارامیر، از هر نوع حمایت سازمانی و صنفی و دولتی محروم بوده‌اند. اما این افراد با کمترین امکانات و بدون هیچ حمایتی همچنان به فعالیت‌های خودجوش خود ادامه داده‌اند و با استمرار در این مشاغل، سعی در تقویت وضعیت درآمدی و معیشتی خود داشته‌اند. ضرورت تشکیل اتحادیه، صنف یا سازمانی برای حمایت‌های مالی و سایر کمک‌ها در این زمینه، کاملاً احساس می‌شود. با بررسی دلایل مختلف برای ترک این مشاغل از سوی شاغلین خودجوش محله حصارامیر چنین استنباط می‌شود که مشکل نداشتن جای مناسب و عدم‌حمایت‌های مالی، از مهم‌ترین عوامل ترک شغل خودجوش بوده‌اند. ۳۸/۱درصد افراد، نداشتن مکان مناسب برای انجام فعالیت و ۳۸/۱ درصد دیگر نیز عدم‌حمایت‌های مالی را دلیل رهاکردن شغل خود بیان کرده‌اند. ۱۳/۱ درصد شاغلین دچار مشکل جسمی شدن و ۱۰/۷ درصد نیز دلایل دیگر را برای ترک شغل خودجوش خود مطرح کرده‌اند. پرداختن به این مشاغل با وجود عدم‌حمایت‌ها، سختی‌های کار، نداشتن مکان مناسب برای فعالیت و دستمزدهای پایین، در برخی از این مشاغل، نشان از نیاز آنها به این فعالیت‌ها و پشتکارشان برای رهایی از مشکلات دارد. عدم‌نظارت و حمایت دولت، راه را برای بهره‌کشی سودجویان از این گروه فقرا باز کرده است. در بررسی انتظارات شاغلین خوداشتغال، روشن شد که ۵۳/۶ درصد افراد، بهره‌مندی از وام‌های کم‌بهره یا بلاعوض و ۲۳/۸ درصد حاشیه‌نشینان شاغل خودجوش، ایجاد مکان مناسب برای انجام این دسته فعالیت‌ها را به عنوان انتظار خود معرفی کرده‌اند. دولت می‌تواند با حمایت از شاغلین خودجوش و با تشویق فقرا و جذب آنها در این گروه، فعالیت‌های مشارکتی، ارائه کمک‌های مالی، ایجاد مکان مناسب برای فعالیت‌های آنها و توجه به وضع سلامت و بهداشت حاشیه‌نشینان خوداشتغال، به هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی در اینجا را مانع شود. بنابراین، لزوم برنامه‌ریزی درست در جهت رفع مشکلات شاغلین خودجوش برای جلوگیری از ترک این نوع مشاغل کاملاً احساس می‌شود. با در پیش گرفتن راهبردهای مؤثر برای ارائه حمایت‌های مالی و ایجاد مکان مناسب و ارائه خدمات بیمه‌ای برای شاغلین خودجوش، می‌توان به نقش این نوع مشاغل در توانمندسازی ساکنین منطقه در آینده امیدوار بود.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

یافته‌های تحلیلی تحقیق: با توجه به یافته‌های توصیفی پژوهش، ۵۶ درصد خانوارهای مورد پرسش قرار گرفته، دارای نوعی شغل خودجوش بوده‌اند؛ بنابراین بیش از نیمی از جامعه مورد مطالعه، به نوعی شغل خودجوش مشغول بوده‌اند. برای بررسی میزان گرایش زنان به مشاغل خودجوش نسبت به مردان، از آزمون آماری خی‌دو استفاده می‌گردد. آزمون کای‌اسکوئر (خی‌دو) برای محاسبه متغیرها و داده‌هایی استفاده می‌شود که از نوع کیفی و ارزشی هستند. ابتدا جدول دو بعدی تشکیل می‌شود و سپس آزمون خی‌دو یا مجذور کا یا کای‌اسکوئر محاسبه می‌شود. مجذور کا، میزان احتمال تصادفی و شانسی‌بودن همبستگی بین دو یا چند ارزش را نیز تعیین می‌نماید. پس از محاسبه مجذور کا، می‌توان ضریب وی کرامر را محاسبه کرد (حافظنیا، ۱۳۸۷). همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، مقدار آزمون خی‌دو برابر ۱۹/۸۹۲ با درجه آزادی برابر ۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ و از ۰/۰۵ کوچکتر بوده که حاکی از آن است که بین نسبت‌های مشاهده شده، تفاوت معناداری به لحاظ آماری وجود دارد و نتیجه گرفته می‌شود که تعداد زنان خوداشتغال، بیشتر از مردان بوده است. نتایج توصیفی نیز نشان دادند ۱۲۸نفر از ۲۱۲ نمونه مورد بررسی؛ یعنی بیش از ۶۰ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

جدول ۲- نتایج آزمون کای‌اسکوئر برای بررسی میزان گرایش بیشتر زنان به مشاغل خودجوش نسبت به مردان

مشاغل		مجموع	درجه آزادی	کای اسکوئر	سطح معناداری
خیر	بلی				
۱۲۵	۸۴	۲۰۹	۱	۱۹/۸۹۲(b)	۰/۰۰۱
۴۱	۱۲۸	۱۶۹			
۱۶۶	۲۱۲	۳۷۸			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

برای پاسخ به پرسش سوم، به یکی از سؤالات پرسشنامه در قالب طیف لیکرت، رجوع می‌کنیم. براساس پاسخ‌های داده شده به این پرسش، روشن شد ۵۰ درصد جامعه آماری، این مشاغل را در بهبود وضعیت اقتصادی خود بسیار مؤثر دانسته‌اند. ۳۶/۹ درصد نیز این مشاغل را تا حدودی در بهبود معیشت خود اثرگذار معرفی کرده‌اند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به این نوع از اشتغال، وضعیت اقتصادی خانوارهای منطقه را در جهتی مثبت، تغییر داده است. همچنین در ادامه، از روش آزمون آماری T تک‌نمونه‌ای نیز استفاده شده است (جدول۳). از این آزمون هنگامی استفاده می‌کنیم که بخواهیم ببینیم آیا میانگین یک متغیر، تفاوت معناداری با یک متغیر ثابت (مقدار آزمون) دارد یا خیر. در اینجا سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده که نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌ها، معنادار و این مشاغل در بهبود وضعیت اقتصادی، تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول ۳- آماره‌های T تک‌نمونه‌ای

	میانگین	انحراف استاندارد	N	t	sig
وضعیت شاخص	۳/۲	۰/۰۹۹۶۵۵۵	۲۱۲	۱۷/۵۸۸	۰/۰۰۰

منبع: (محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

تحلیل SWOT: در جـداول ۴ و ۵، رتبـه‌بنـدی و اولویت‌سنجی نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید توسعه مشاغل خودجوش در حصارامیر نشان داده شده‌اند.

جدول ۴- ماتریس عوامل داخلی تحلیل SWOT (رتبه‌بندی و اولویت‌سنجی نقاط قوت، ضعف)

	تحلیل SWOT	مجموع وزن‌ها	ضریب اهمیت	رتبه	امتیاز نهایی	اولویت نهایی
قوت‌ها	S۱- وجود واحد خوداشتغالی سازمان کار و اموراجتماعی شهرستان پاکدشت	۷۹۸	۰/۰۵۳۶	۳/۴۱	۰/۱۸	۷
	S۲- وجود مهاجران با فرهنگ، هنر و صنایع دستی مختلف	۸۰۰	۰/۰۵۳۷	۳/۹۲	۰/۲۱	۴
	S۳- گرایش بالای ساکنان به‌ویژه زنان خانه‌دار حاشیه‌نشین به مشاغل خودجوش	۷۶۴	۰/۰۵۱۳	۲/۸۹	۰/۱۵	۱۰
	S۴- عدم‌نیاز به آموزش و سواد بالا	۷۴۲	۰/۰۴۹۸	۴	۰/۲۰	۵
	S۵= عدم‌نیاز به سرمایه زیاد	۷۴۳	۰/۰۴۹۹	۳/۸۸	۰/۱۹	۶
	S۶= وجود کارگاه‌های صنعتی زیاد در حصارامیر	۷۶۴	۰/۰۵۱۳	۲/۱۳	۰/۱۱	۱۱
	S۷= وجود بازار هفتگی در حصارامیر و سایر نقاط پاکدشت به عنوان محل عرضه محصول مشاغل خودجوش	۸۴۴	۰/۰۵۶۷	۳/۸۲	۰/۲۲	۲
	S۸- استعداد حصارامیر برای توسعه برای سرمایه‌گذاری	۸۲۰	۰/۰۵۵۰	۲/۹۷	۰/۱۶	۹
	S۹- وجود سازمان صنایع دستی در شهرستان پاکدشت	۸۴۱	۰/۰۵۶۵	۳/۷۱	۰/۲۱	۳
	S۱۰- افزایش خودباوری و نیز آگاهی افراد محلی و مهاجران نسبت به ارزش‌های فرهنگی و هنری یکدیگر	۷۵۲	۰/۰۵۰۵	۳/۴۲	۰/۱۷	۸
	S۱۱- بالا بودن انگیزه مشارکت در میان ساکنین	۸۷۱	۰/۰۵۸۵	۴	۰/۲۳	۱
ضعف‌ها	W۱= ناشناخته بودن و پنهانی بودن فعالیت‌های انجام شده	۷۳۴	۰/۰۴۹۳	۴	۰/۲۰	۲
	W۲= بهره‌کشی از شاغلین خودجوش با پرداخت دستمزد کم و سوءاستفاده از نیاز آنها به این مشاغل	۷۹۹	۰/۰۵۳۶	۳/۹۱	۰/۲۱	۱
	W۳- رهاکردن هنرها و صنایع دستی که در مبدأ مهاجرت برای افراد نوعی فعالیت به حساب می‌آمده است.	۷۷۵	۰/۰۵۲۰	۲/۵۳	۰/۱۳	۶
	W۴= عدم‌وجود کاربری تفریحی و ورزشی برای شاغلان خودجوش به‌خصوص کودکان و نوجوانان	۷۳۶	۰/۰۴۹۴	۲/۰۸	۰/۱	۸
	W۵= بی‌توجهی مسئولین به این مشاغل و عدم‌سرمایه‌گذاری برای توسعه خوداشتغالی	۷۸۱	۰/۵۲۴	۳/۶۳	۰/۱۹	۳
	W۶= عدم‌امکان انجام برخی از مشاغل در منزل به دلایلی چون داشتن خطرات جانی	۷۴۴	۰/۰۴۹۹	۳/۶۸	۰/۱۸	۵
	W۷= پایین بودن متوسط سرانه مسکونی برای توسعه مشاغل در منزل	۷۹۸	۰/۰۵۳۶	۳/۳۳	۰/۱۸	۴
	W۸= نداشتن بیمه	۷۹۱	۰/۰۵۲۳۱	۱/۹۸	۰/۱۱	۷
	IFE	**۱۴۸۹۷**	∑۱	-	**۳/۳۳**	-

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

جدول ۵- ماتریس عوامل خارجی تحلیل SWOT (رتبه‌بندی و اولویت‌سنجی نقاط فرصت، تهدید)

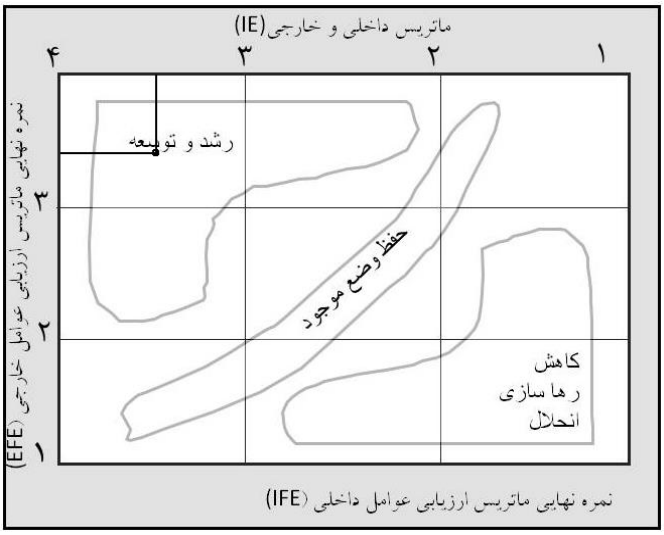
	تحلیل SWOT	مجموع وزن‌ها	ضریب اهمیت	رتبه	امتیاز نهایی	اولویت نهایی
ضعف‌ها	O۱= وجود کارگاه‌ها و کارخانه‌های مختلف در اطراف تهران و نیز پاکدشت به عنوان منبع ارائه کار خودجوش	۸۵۲	۰/۰۵۸۸	۴	۰/۲۴	۱
	O۲= افزایش گرایش‌ها و توجهات روزافزون به خوداشتغالی در ایران و جهان	۶۴۹	۰/۰۴۸۸	۳/۵۳	۰/۱۶	۷
	O۳= وجود زمین‌های فراوان در اطراف حصارامیر برای توسعه کارگاه‌های خوداشتغالی	۷۸۸	۰/۰۵۴۴	۱/۹۹	۰/۱۱	۹
	O۴= گسترش اشتغال و کاهش بیکاری در میان حاشیه‌نشینان	۸۵۴	۰/۰۵۸۹	۳/۷۵	۰/۲۲	۲
	O۵= موقعیت جغرافیایی مناسب حصارامیر و دسترسی به جاده‌های ارتباطی	۸۲۲	۰/۰۵۶۷	۳/۵۹	۰/۲۰	۴
	O۶= قرار گرفتن حصارامیر در نزدیکی تهران به عنوان یک بازار فروش	۷۳۳	۰/۰۵۰۶	۳/۸۵	۰/۱۹	۵
	O۷- کاهش رفت‌وآمدهای ساکنان به تهران و نزدیکی محل کار و سکونت	۷۴۷	۰/۰۵۱۵	۳/۹۸	۰/۲۱	۳
	O۸- کاهش جرم و جنایت در منطقه	۷۱۶	۰/۰۴۹۴	۲/۷۵	۰/۱۴	۸
	O۹- افزایش روحیه جمعی و تقویت حس تعلق مکانی	۶۷۸	۰/۰۴۶۸	۳/۸۸	۰/۱۸	۶
	۱۰- تقویت، ترویج و توسعه صنایع و هنرهای دستی کشور	۷۰۰	۰/۰۴۸۳	۱/۵۵	۰/۰۷	۱۰
تهدیدها	T۱= عدم‌حمایت‌های دولتی کافی و مناسب برای توسعه خوداشتغالی در میان سکونتگاه‌های غیررسمی	۷۱۳	۰/۰۴۹۲	۲/۱۱	۰/۱۰	۹
	T۲= عدم‌توجه به شناسایی توانایی‌های ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی	۸۰۹	۰/۰۵۵۸	۲/۵۵	۰/۱۴	۸
	T۳= عدم‌ارائه بازار مناسب فروش برای شاغلین خودجوش	۷۷۶	۰/۰۵۳۵	۳/۹۸	۰/۲۱	۲
	T۴= عدم‌انگیزه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ارائه وام‌های خوداشتغالی	۸۱۷	۰/۰۵۶۴	۳	۰/۱۷	۶
	T۵= عدم‌باور به نقش توانمندی‌های موجود حاشیه‌نشینان در بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان	۷۹۹	۰/۰۵۵۱	۴	۰/۲۲	۱
	T۶= عدم‌نظارت بر قیمت‌گذاری محصولات و خدمات شاغلان خودجوش و بازبودن دست سودجویان	۷۱۷	۰/۰۴۹۵	۳/۵	۰/۱۷	۷
	T۷= بی‌توجهی به سلامت و بهداشت شاغلین خودجوش	۷۷۵	۰/۰۵۳۵	۴	۰/۲۱	۴
	T۸= ضعف تبلیغات کافی برای معرفی مشاغل خودجوش، امکانات و نتایج مثبت آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی	۷۹۹	۰/۰۵۵۱	۳/۴۴	۰/۱۹	۵
	T۹- تنگناهای ناشی از بوروکراسی اداری برای کسب مجوز برای احداث کارگاه	۷۴۹	۰/۰۵۱۷	۴	۰/۲۱	۳
	∑EFE	**۱۴۴۹۳**	**∑۱**	-	**۳/۳۴**	-

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

تعداد ۱۱ نقطه قوت داخلی در برابر ۸ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۱۰ فرصت خارجی در برابر ۹ تهدید خارجی، شناسایی و بررسی شد. بدین ترتیب در مجموع تعداد ۲۱ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت‌ها و ۱۷ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت‌ها و تنگناهای پیش‌روی توسعه مشاغل خودجوش، قابل شناسایی است. بالا بودن انگیزه مشارکت در میان ساکنین، مهم‌ترین نقطه قوت؛ بهره‌کشی از شاغلین خودجوش با پرداخت دستمزد کم و سوءاستفاده از نیاز آنها به این مشاغل، مهم‌ترین نقطه ضعف؛ وجود کارگاه‌ها و کارخانه‌های مختلف در اطراف تهران و همین‌طور در پاکدشت به عنوان منبع ارائه کار خودجوش، مهم‌ترین فرصت و عدم‌باور به نقش توانمندی‌های موجود حاشیه‌نشینان در بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان به عنوان مهم‌ترین تهدید، اولویت‌گذاری شده‌اند. در یک جمع‌بندی و تحلیل ساده، می‌توان گفت که این نواحی، نیازمند بازنگری و سیاست‌های مناسب جهت رفع ضعف‌ها و تهدیدها با استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها می‌باشند. ماتریس داخلی و خارجی (IE) به منظور تعیین استراتژی‌های برتر (مطلوب)، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این ماتریس، جمع امتیاز نهایی عوامل داخلی، بر روی محور افقی و جمع امتیاز نهایی عوامل خارجی، بر روی محور عمودی قرار می‌گیرد (Ungson & Wong, ۲۰۱۴). اگر جمع امتیاز نهایی عوامل خارجی (EFE) بین ۱ تا ۲/۵ باشد، نشان‌دهنده تهدید خارجی و چنانچه بین ۲/۵ تا ۴ باشد، بیانگر فرصت است. همچنین، اگر جمع امتیاز نهایی عوامل داخلی (IFE) بین ۱ تا ۲/۵ باشد، به مفهوم ضعف داخلی و چنانچه بین ۲/۵ تا ۴ باشد، بیانگر قوت داخلی است (Henry, ۲۰۰۸). با توجه به اینکه نمره نهایی (ماتریس عوامل داخلی) نقاط قوت و ضعف برابر با ۳/۳۳ و نمره نهایی (ماتریس عوامل خارجی) فرصت‌ها و تهدیدات معادل ۳/۳۴ است؛ بنابراین طبق شکل ۲، استراتژی توسعه مشاغل خودجوش، در جهت رشد و توسعه قرار دارد. این موقعیت استراتژیک، بیانگر انتخاب استراتژی تهاجمی و حرکت با تمام قوا به سمت رشد و توسعه مشاغل خودجوش می‌باشد.



شکل۲- ماتریس نهایی

منبع: (محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

استراتژی‌های رقابتی/تهاجمی (SO):

- بهره‌گیری از انگیزه و روحیه بالای مشارکتی حاشیه‌نشینان
- شناخت توانمندی‌ها، هنرها و صنایع دستی مهاجران
- بهره‌گیری از نیروی زنان
- ایجاد مرکزی با عنوان «ستاد حمایت از مشاغل خودجوش» در شهرداری پاکدشت و در واقع، رسمیت دادن به این دسته از مشاغل؛ به گونه‌ای که به کار کارگاه‌های خوداشتغالی و شاغلین خودجوش رسیدگی نماید.
- توجه به نقش بازارهای هفتگی در حصارامیر و سایر نقاط پاکدشت به عنوان یک محل عرضه برای محصولات شاغلین خودجوش
- تشکیل نمایشگاه به‌خصوص در مکان‌های عمومی و پررفت و آمد؛ مثل پایانه‌های مسافربری یا مراکز خرید
- اصلاح نگرش‌ها به اسکان غیررسمی و توجه به حاشیه‌نشینان به عنوان کارآفرینان خودجوش
- کمک گرفتن از رسانه‌های ملی و محلی؛ همچون رادیو و تلویزیون و مطبوعات محلی برای تبلیغ برخی از محصولات آنها و حمایت و گسترش این مشاغل
- ایجاد کارگاه‌های آموزشی و تشویق حاشیه‌نشینان مهاجر برای شرکت در کلاس‌های آموزش خیاطی، قلاب‌بافی، فرشبافی، گلدوزی و سایر هنرهای دستی
- جلب سرمایه‌گذاری توسط افراد خیر و سایر سرمایه‌گذاری‌ها در حمایت از آنها
- توسعه زمینه‌های مطالعاتی درباره مشاغل خودانگیخته در میان حاشیه‌نشینان
- برخوردارکردن شاغلین خوداشتغال از مزایای بیمه تأمین اجتماعی
- توجه به فرهنگ مهاجرین واردشده به پاکدشت، این بار به عنوان یک نقطه قوت و برای جست‌وجوی صنایع و هنرهای دستی هر فرهنگ و توسعه خوداشتغالی در میان آنها
- ایجاد فضای حمایتی از مشاغل خودجوش در چارچوب مقررات ملی
- افزایش اختیارات نهادها و سازمان‌هایی همچون شهرداری در رابطه با این دسته از مشاغل
- به مناقصه گذاشتن فعالیت‌هایی چون: تولید سبزی، مواد غذایی، سرهم کردن قطعات کوچک فلزی و سایر فعالیت‌ها از سوی هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و کارخانجات و شرکت سازمان‌های حمایت از مشاغل خودجوش در این مناقصه‌ها و سپس تقسیم فعالیت‌ها بین حاشیه‌نشینان
- نظارت مستقیم دولت بر فعالیت مراکز خوداشتغالی و حمایت از مشاغل خودجوش برای جلوگیری از استثمار نیروی کار حاشیه‌نشین.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بی‌شک تا زمانی که اندیشه تأمین معاش برای فرد حاشیه نشین، با نگرانی همراه باشد، به ساماندهی فیزیکی و کالبدی محل سکونت خود نمی‌اندیشد. مشاغل خودجوش به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصاد غیررسمی با ویژگی‌هایی مانند: کاربر بودن، نیاز به مهارت و سرمایه اندک، امکان انجام کار به صورت گروهی و ورود آسان، به افراد بی‌سواد، کم‌سواد و فاقد مهارت‌های حرفه‌ای حاشیه‌نشین که درگیر فقر اقتصادی‌اند، این امکان را می‌دهد که از بیکاری که ریشه اصلی تمام مشکلات آنهاست، رهایی یابند و با بهبود وضعیت اقتصادی و درآمدی بتوانند به بهبود وضعیت کالبدی سکونتگاه‌های خود بیاندیشند. نتایج تحقیق نشان دادند که نقش زنان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

حاشیه‌نشین در گسترش مشاغل خودجوش، بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از زنان مهاجر با ورود به منطقه و دورشدن از محیط روستایی مبدأ، دیگر مانند گذشته کار چندانی ندارند و بیشتر وقت خود را در کوچه‌ها و جلوی درب خانه‌ها، به صحبت کردن با هم می‌گذرانند. در مصاحبه های انجام شده با برخی از آنها، معلوم شد که آنها نیز از این وضعیت و بیکاری روزانه ناراضی می‌باشند و برای انجام مشاغل خودجوش بسیار راغب هستند. تشویق آنها برای فعالیت در مشاغل خودجوش، احساس مفید بودن را در این دسته از زنان ایجاد کرده و درعین‌حال از اوقات بیکاری آنها برای درآمدزایی استفاده شده است.

یکی دیگر از نقاط قابل تأمل در مبحث مشاغل خودجوش در میان ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی، همان‌طور که اشاره شد، نقش دولت و سازمان‌های غیررسمی در پر و بال دادن و همچنین گسترش این دسته از مشاغل بوده است. نقش دولت و شهرداری در توزیع این مشاغل در میان حاشیه‌نشینان، بسیار پراهمیت است. دولت می‌تواند با دادن اختیاراتی به شهرداری‌ها و سازمان‌های مرتبط، زمینه‌های تقویت و حمایت از این مشاغل را فراهم کرده، شهرداری و سایر سازمان‌ها را به فراهم کردن مکان‌های مناسب برای شاغلین، نظارت بر فعالیت‌های گروهی، ایجاد مراکز فروش به صورت بازارهای هفتگی و نمایشگاه‌های محلی، جذب سرمایه‌گذاری خیرین و سایر سرمایه گذاران موظف کند تا از این طریق موجبات بهبود وضعیت اقتصادی حاشیه نشینان و تسکین اسکان غیررسمی، تحقق یابد. از سوی دیگر، ارائه وام‌های با بهره کم و شرایط مناسب به حاشیه‌نشینان، گام مهمی برای جذب بسیاری از آنها به این مشاغل است. واحد خوداشتغالی، سازمان کار و امور اجتماعی پاکدشت، اعلام کرده است که وام‌های خوداشتغالی، به افرادی داده می‌شود که در شهرک‌های صنعتی اطراف پاکدشت، مشغول فعالیت شوند؛ در واقع با این رویکرد، سعی بر خروج صنایع و جلوگیری از گسترش آنها در شهر شده است (شاه‌حسینی، ۱۳۸۲). کسانی که در کارگاه‌های صنعتی اشتغال ندارند و در منازل به نوعی شغل خودجوش مشغول هستند یا در داخل پاکدشت در واحدهای صنعتی فعالیت دارند، به سختی می‌توانند از وام‌های خوداشتغالی استفاده کنند. یکی دیگر از واحدهای مرتبط در زمینه مشاغل خودجوش، سازمان صنایع دستی است. در پرسشگری‌های به عمل آمده از شاغلین خودجوشی که از هنرهای دستی چون: منبت‌کاری، گلسازی، حصیر و سبدبافی، امرار معاش می‌کردند، تعداد بسیار محدودی در این سازمان عضویت داشتند؛ همین تعداد محدود نیز اظهار داشته‌اند که از حمایت‌های چندانی از سوی این سازمان برخوردار نبوده‌اند. بدون حمایت‌های سازمانی و دولتی در زمینه خوداشتغالی و مشاغل خودجوش، راه برای بهره‌کشی از نیروی کار حاشیه‌نشین، سخت شدن شرایط کاری برای شاغلین و در نتیجه ترک خوداشتغالی، باز خواهد بود. یکی دیگر از سازمان‌های مرتبط در این زمینه، مرکز کارآفرینی و حمایت از مشاغل خانگی است که در بسیاری از مناطق تهران، راه‌اندازی شده و مشغول به فعالیت است؛ اما پاکدشت و همین‌طور حصارامیر، فاقد چنین مرکزی هستند. این مراکز با اهدافی چون: افزایش خوداتکایی و میل به کم کردن بیکاری، توانمندسازی اجتماع‌محور با نگرش فرصت‌محوری، کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق فقرزدایی، تلاش برای مشارکت حداکثری و تشویق و حمایت از فعالیت‌های زودبازده، استراتژی تبدیل تهران به یک شهر کارآفرین را دنبال می‌کند (www.tehran.ir/scad). برخی از این مراکز در محلات سابقاً حاشیه‌نشین چون خاک سفید در تهرانپارس و اسلامشهر فعالیت می‌کنند. راه‌اندازی چنین مراکزی در شهرستان پاکدشت برای بهره‌گیری از توان‌ها و پتانسیل‌های نیروی کار و ساماندهی مسئله اسکان غیررسمی از طریق بهبود معیشت و ایجاد شغل، ضروری

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

به نظر می‌رسد. از طرفی آنچه این پژوهش را از سایر تحقیقات انجام شده در این زمینه متفاوت می‌کند این است که مقاله حاضر تلاش کرده است با رویکرد جدیدی به سکونتگاه‌های غیررسمی در تهران بنگرد. توجه به راهکارهای برخاسته از میان خود حاشیه‌نشینان، موضوعی است که در بسیاری از کشورها همچون بنگلادش، به عنوان راهکاری برای رهایی از فقر در میان حاشیه‌نشینان، مورد توجه قرار گرفته و مثمرثمر واقع شده است. اما در محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، توجه به این موضوع، بسیار اندک بوده است. علی‌رغم اینکه این محدوده، شرایط مستعدی (همچون دسترسی به کارگاه‌ها و کارخانجات متنوع در شرق تهران، دسترسی نزدیک به بازار مصرف بزرگی همچون تهران، علاقه‌مندی ساکنان به‌ویژه زنان و مانند اینها) برای توسعه مشاغل خودجوش داشته است، اما با این حال این قابلیت‌ها همچنان ناشناخته مانده و نتوانسته توجه چندانی، حتی از سوی شهرداری منطقه را به خود جلب کند. این پژوهش در تلاش بوده تا به نوعی بر این توانمندی‌های نادیده گرفته‌شده در منطقه‌ای با چنین پتانسیلی، تأکید کند؛ زیرا نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جهت استراتژیک توسعه مشاغل خودجوش در راستای رشد و توسعه قرار دارد. در حال حاضر، بهترین راهکار، انتخاب استراتژی تهاجمی و حرکت با تمام قوا به سمت رشد و توسعه مشاغل خودجوش، فراهم کردن بسترهای مناسب برای جذب و گسترش این فعالیت‌ها و افزایش حمایت‌های دولتی و غیردولتی از این دسته شاغلان می‌باشد.

۷- منابع

اجلاس وزرای مسکن. (۱۳۸۷). *ایجاد فضای حیاتی برای فعالیت‌های بخش غیررسمی از جمله مشاغل خرد در چارچوب مقررات ملی*، سازمان مسکن و شهرسازی.

اعتماد، گیتی. (۱۳۸۲). *ویژگی‌های کالبدی محله‌های حاشیه‌نشین*، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

پیران، پرویز. (۱۳۸۱). باز هم در باب اسکان غیررسمی، مورد شیرآباد زاهدان، *مجله هفت شهر*، شماره‌های ۹ و ۱۰، وزارت مسکن و شهرسازی.

توماس، جی جی؛ ریسکاویچ، رائول؛ سیتو، وینچنزو. (۱۳۷۶). *اقتصاد غیررسمی*، ترجمه و تلخیص منوچهر نوربخش و کامران سپهری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

جمالی، فیروز؛ صدرموسوی، میرستار؛ لیوارجانی، پروین‌دخت. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز، نمونه موردی سبزه میدان، *نشریه جغرافیا برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز*، ۱۴ (۲۹).

حاج‌یوسفی، علی. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، *فصلنامه هفت شهر*، شماره ۸، وزارت مسکن و شهرسازی.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت.

حسین‌اغلی، جواد. (۱۳۸۶). *تحلیلی بر اسکان غیررسمی در منطقه کلانشهر تهران*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

خاتم. اعظم. (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله، *فصلنامه هفت شهر*، شماره ۸، وزارت مسکن و شهرسازی.

شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۸۲). *بررسی ساخت‌یابی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تهران (نمونه موردی: پاکدشت)*، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

شریفیان‌ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲ (۸).

شکویی، حسین. (۱۳۸۰). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، جلد اول، تهران: سمت.

شیخی، محمد. (۱۳۸۰). *تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودروی پیرامون کلانشهر تهران*،

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، *فصلنامه هفت شهر*، شماره ۹و۱۰، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

عارفی، مهیار. (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی- مبنا برای توسعه اجتماع محلی، *مجله هنرهای زیبا*، شماره۱۰.

کمیسیون اسکان بشر. (۱۳۷۸). *سرپناه برای همه: سیاست‌های مسکن در آستانه هزاره سوم*، ترجمه مهرداد جواهری‌پور، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.

گودرزی، سعید. (۱۳۸۸). *کاربرد آمار در علوم اجتماعی*، ناشر دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان با همکاری انتشارات جامعه‌شناسان در تهران.

محمودیان، احمد. (۱۳۸۶). *حاشیه‌نشینی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

مرکز آمار ایران. (۱۳۵۵). نتایج تفضیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ شهرستان ورامین.

مرکز آمار ایران. (۱۳۶۵). *نتایج تفضیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ شهرستان ورامین.*

مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵). *نتایج تفضیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ شهرستان پاکدشت.*

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *نتایج تفضیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ شهرستان پاکدشت.*

نقدی، اسدالله. (۱۳۸۹). مهاجرت و حاشیه‌نشینی، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷۳-۷۴.

Cobas, J. A. (۱۹۸۶). Paths to Self-Employment among Immigrants An Analysis of Four Interpretations. *Sociological Perspectives*, ۲۹(۱), ۱۰۱-۱۲۰.

Davis, M. (۲۰۰۶). Planet of Slums, *New Perspectives Quarterly*, ۲۲(۲).

Frota, L. (۲۰۰۸). Securing decent work and living conditions in low-income urban settlements by linking social protection and local development: A review of case studies. *Habitat International*, ۳۲(۲).

Henry, A. (۲۰۰۸). *Understanding strategic management*. Oxford University Press, USA.

Kantor, P. (۲۰۰۹). Women's exclusion and unfavorable inclusion in informal employment in Lucknow, India: barriers to voice and livelihood security. *World development*, ۳۷(۱), ۱۹۴-۲۰۷.

Majale, Michael. (۲۰۰۸). Employment creation through participatory urban planning And slum upgrading: The case of Kitale, Kenya, Habitat International ۳۲،۲۷۰_۲۸۲

McGrath, S., Kenneth, K., Leach, F., Carr-Hill, R. (۱۹۹٤). *Education and training for the informal sector*, Education Research Paper No. ۱۱،۳۳۲.

OECD (organization for Economic Cooperation and Development). (۱۹۸۶). *Self-employment in OECD Countries, in OECD employment outlook.*

Rappaport, Julian. (۱۹۸۷). Terms of Empowerment/Exemplars of Prevention: Toward a Theory for Community Psychology, *American Journal of Community Psychology*, ۱۵(۲), ۱۹۸۷

Shane, S. A. (۲۰۰۳). *A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus*. Edward Elgar Publishing.

Ungson, G. R., Wong, Y. Y. (۲۰۱۴). *Global strategic management*. Routledge.

Yuki, K. (۲۰۰۷). Urbanization, informal sector, and development. *Journal of Development Economics*, ۸۴(۱), ۷۶-۱۰۳.

Yunus, M. (۲۰۰۷). *Creating a world without poverty: Social business and the future of capitalism*. Public Affairs.

http://www.Asiannews.peit.p.v

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

http://www.tehran.ir/scad
http//www.Grameen-info.org

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1395.4.14.7.0]
[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-03]